

نویسنده: تئد سنايدر «Ted Snider»
منبع و تاریخ نشر: انتی وار «2024-12-05»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

دروغ های غرب در مورد اوکراین با سخنان خود آنها رد می شود

The West's Lies About Ukraine Are Refuted by Their Own Words

ساخت و ساز استراتژی داستانی یا روایتی از دروغ برای توجیه رفتن به جنگ مطمئناً چیز جدیدی نیست. تاریخ طولانی ای در ایالات متحده وجود دارد که به نظر می رسد با این دروغ که عراق انباری از سلاح های گشتار جمعی دارد به اوج خود رسیده است. این روایت نادرست با چهره های مختلف با سلاح های شیمیایی در سوریه و در حال حاضر با سلاح های هسته ای در ایران دوباره استفاده شد.

ریچارد ساکوا، استاد سیاست روسیه و اروپا در دانشگاه کنت و برجسته ترین متخصص این نسل در روسیه، در کتاب خود به نام «فرهنگ» که به زودی منتشر خواهد شد، می گوید: «حقیقت همیشه اولین قربانی جنگ است، اما در جنگ سرد دوم، تبلیغات در مناقشه روسیه و اوکراین بسیار شدید است. "ساکوا استدلال می کند که «قلب آن» جنگ سرد دوم، «مبارزه برای کنترل روایت ها، شکل دهی به برداشت های عمومی از واقعیت است. او می گوید که این یک تلاش دیرینه است، اما در جنگ سرد 2 با افول آرمان های مدرنیستی بالای روزنامه نگاری مبتنی بر واقعیت و دانش بی طرفانه، ارائه نادرست موقعیت ها تشدید می شود.

ساکوا به نقل از **ژاک باود**، سرهنگ ارتش سوئیسی که در **نا تو** و سازمان ملل خدمت می کرد، استدلال می کند که روایت های نا درست ناشی از امتناع از انجام تحقیقات بی طرفانه در مورد رویدادهای مهم، سیاست خارجی کشورهای غربی را شکل داده است. **ساکوا** می افزاید که این امر به ویژه در مورد روسیه، که هدف یک صنعت «ضد اطلاعات نادرست» شده است، که منجر به «پیا مدهای مخربی بر سیاست بین الملل» شده است.

به نظر می رسد که هنر بدعت گرایی، یا ساختار واقعیت سیاسی به گونه ای که به نحو مطلوب با روایت شما منطبق باشد، در یادداشت **داونینگ استریت**، در طول جنگ عراق، که گزارش می داد «اطلاعات و حقایق آمریکایی» حول این سیاست تثبیت می شد، به کمال خود رسید. اما به نظر می رسد هنر بدعت گرایی در طول جنگ روسیه و اوکراین رشد کرده است. چندین دروغ برای توجیه و تداوم جنگ گفته شده است. و بسیاری از آن دروغ هایی که غرب گفته می شود یا که توسط غربی ها گفته میشود، با سخنان خود غرب فاش و تکذیب شده است.

جنگ نیابتی

رئیس جمهور روسیه، **ولادیمیر پوتین**، مدتهاست که جنگ در اوکراین را تلاشی از سوی غرب برای حذف رقبا با استفاده از نیروی نیابتی توصیف کرده است. **سرگئی لاوروف**، وزیر امور خارجه روسیه گفته است که «**نا تو** در اصل از طریق یک نیابتی درگیر جنگ با روسیه است و به آن نیابتی تسلیح می کند. جنگ یعنی جنگ».

اما، علی رغم اعتراف **لوید آستین**، وزیر دفاع آمریکا مبنی بر اینکه «ما می خواهیم روسیه را تا حدی ضعیف ببینیم که هرگز نتواند کارهایی را انجام دهد که در حمله به اوکراین انجام داده است»، غرب همواره ادعا می کند که نقش اصلی تر دفاعی دارد. اوکراین و رد کرد که در حال جنگ نیابتی در اوکراین است.

اما این ادعا اخیراً زمانی که **بوریس جانسون**، نخست وزیر سابق بریتانیا به مصاحبه کننده ای گفت که «ما در حال راه اندازی یک جنگ نیابتی هستیم، اما؛ ما به نمایندگان خود توانایی انجام کار را نمی دهیم».

این در مورد ناتو نیست

یکی از ویژگی های اصلی روایت غرب در مورد تهاجم **پوتین** به اوکراین این است که این حمله غیر قابل تحریک بود. این عنوان اولین سخنرانی **بایدن** در مورد جنگ بود، «اظهارات پرزیدنت **بایدن** در مورد حمله غیر قابل توجیه و غیر موجه روسیه به اوکراین»، و از آن زمان تاکنون کلمه «بی تحریک» به کلمه «جنگ» اضافه شده است.

عنصر کلیدی این روایت، اصرار بر این است که گسترش **ناتو** به سمت شرق تا مرزهای اوکراین و روسیه ربطی به تصمیم **پوتین** برای جنگ ندارد.

اما این روایت توسط **ینس استولتبرگ**، دبیرکل وقت **نا تو** رد شد. وی در سخنان افتتاحیه خود در کمیته امور خارجی پارلمان اروپا در 7 سپتامبر 2023 گفت که در سال 2021، قبل از جنگ، **پوتین** «پیش نویسی را ارسال کرد. معاهده‌ای که می‌خواستند **نا تو** امضا کند، تا دیگر وعده گسترش **نا تو** را ندهند. این چیزی بود که او برای ما فرستاد. و پیش شرطی برای حمله نکردن به اوکراین بود. البته ما آن را امضا نکردیم.»

استولتبرگ سپس ادامه داد: «او می‌خواست این وعده را امضا کنیم، هرگز **نا تو** را گسترش ندهیم... ما آن را رد کردیم. بنا بر این او برای جلوگیری از نزدیک شدن **نا تو** به مرزهای خود وارد جنگ شد. دبیرکل **نا تو** سپس سخنان خود را با این نتیجه پایان داد که "زمانی که رئیس‌جمهور **پوتین** به یک کشور اروپایی حمله کرد تا از توسعه **نا تو** جلوگیری کند، دقیقاً بر عکس است." **استولتبرگ** تنها مقامی نیست که این دروغ را رد کرده است. **دیوید آراخامیا**، که تیم مذاکره کننده اوکراینی را در مذاکرات بلاروس و استانبول رهبری می‌کرد، تأیید کرد که اطمینان از عدم پیوستن اوکراین به **نا تو** "نقطه کلیدی" روسیه است. به گفته **آراخامیا**، «آنها آماده بودند که به جنگ پایان دهند، اگر ما، مانند زمانی که فنلاند درگذشته با بی‌طرفی خود موافقت کرد، و مامتعهد شدیم که به **ناتو** نپیوندیم.»

خود **ولودیمیر زلنسکی**، رئیس‌جمهور اوکراین این دروغ را رد کرد، زمانی که در 27 مارس 2022 به مصاحبه‌کننده‌ای گفت که وعده عدم پیوستن به **نا تو** «اولین نکته اساسی برای فدراسیون روسیه بود» و افزود: «تا آنجا که من به یاد دارم، آنها جنگ را به همین دلیل شروع کردند.»

پوتین مذاکره نخواهد کرد

یکی دیگر از سخنان ثابتی که برای توجیه ادامه جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد این است که **پوتین** در مذاکره جدی نیست.

اما این هرگز درست نبوده است. در حالی که هر یک از شرکای **پوتین** در مذاکره بر سر توافق **مینسک**، **پیوتر پوروشنکو**، رئیس‌جمهور اوکراین، **آنگلا مرکل**، صدراعظم آلمان و **فرانسوا اولاند**، رئیس‌جمهور فرانسه، اعتراف کرده‌اند که این توافق فریبکاری بود که برای سوق دادن روسیه به آتش بس با وعده حل و فصل مسالمت آمیز طراحی شده بود، در حالی که واقعا **پوتین** با خرید زمان مورد نیاز اوکراین برای ایجاد نیروهای مسلح قادر به دستیا بی به راه حل نظامی، بد نیت عمل نکرد و معتقد بودیم که می‌توانیم به توافق

برسیم و لوگانسک و دونتسک می‌توانند به نحوی تحت این توافق‌ها - توافق نامه‌های **مینسک** - با اوکراین متحد شوند.

پوتین تا آستانه جنگ به توافقات **مینسک** پایبند بود. **پوتین** در روزهای قبل از جنگ به گفتگو با کارگزاران فرانسوی و آلمانی توافق مینسک ادامه داد. او در 12 فوریه از **امانوئل ماکرون**، رئیس‌جمهور فرانسه، به دلیل شکست غرب در ترغیب کی‌یف به اجرای توافقات شکایت کرد. روز بعد او به **اولاف شولتز** صدراعظم آلمان گفت که معتقد است راه حلی در چارچوب توافقات مینسک هنوز ممکن است، اما آلمان و فرانسه باید اوکراین را تحت فشار قرار دهند.

در دسامبر 2021، **پوتین** پیشنهادی را در مورد تضمین‌های امنیتی به ایالات متحده و **نا‌تو** ارائه کرد که مستلزم عدم گسترش **نا‌تو** به اوکراین بود، که نشان دهنده آمادگی برای مذاکره تنها چند هفته قبل از جنگ بود.

تنها چند هفته پس از جنگ، **پوتین** هنوز آماده مذاکره بود. در آوریل 2022، روسیه و اوکراین در استانبول به توافقی آزمایشی دست یافتند. و باز هم این مقامات اوکراینی هستند که دروغ غربی‌ها مبنی بر اینکه **پوتین** در مورد مذاکره صادق نیست را رد می‌کنند. **اولکسی آرسطویچ**، مشاور سابق دفتر رئیس‌جمهور اوکراین، گفت که مذاکرات بین اوکراین و روسیه می‌توانست «کاملاً» کارساز باشد و گفت که در پایان مذاکرات استانبول، هیئت اوکراینی «بطری شامپا بین را باز کرد». **دیوید آراخامیا** گفت که **پوتین** "آماده پایان دادن به جنگ است اگر متعهد شویم که به **نا‌تو** نپیوندیم." و **الکساندر چالی**، معاون سابق وزیر امور خارجه و یکی از اعضای تیم مذاکره کننده اوکراین در استانبول، گفت که **پوتین** "تلاش واقعی برای یافتن یک سازش واقع بینانه و دستیابی به صلح را نشان داد."

حتی زلنسکی یک بار در مارس 2022 علناً اذعان کرد که این گفتگوها "عمیقاً کار شده است"

هیچ وعده ناتو برای شکستن وجود نداشت

پوتین همواره غرب را به نقض وعده خود مبنی بر عدم گسترش **ناتو** در شرق آلمان متهم کرده است. در سال 2007، او شکایت کرد: «چه اتفاقی برای تضمین‌هایی افتاد که شرکای غربی ما پس از انحلال پیمان ورشو دادند؟ امروز آن اعلامیه‌ها کجاست؟ هیچ کس حتی آنها را به یاد نمی‌آورد.»

غرب به همان اندازه **پوتین** را به ملودرام و تجدید نظرطلبی تاریخی متهم کرده است. یک گزارش **نا‌تو** در سال 2014 مدعی شد: "هیچ تعهدی داده نشد و هیچ مدرکی برای حمایت از ادعاهای روسیه ارائه نشده است."

اما **نا تو** دروغ می گفت، همانطور که اسنادی که اکنون از طبقه بندی خارج شده اند به وضوح نشان می دهد. و بار دیگر، دروغ های غرب با سخنان خود غرب آشکار می شود. سپس **مانفرد** ورنر، دبیرکل **نا تو** درباره «ضمانت امنیتی محکم» صحبت کرد که «ما حاضریم ارتش **نا تو** را خارج از خاک آلمان مستقر نکنیم». او تاکید کرد که شورای **نا تو** و او مخالف گسترش **نا تو** هستند.

سپس جیمز بیکر، وزیر امور خارجه ایالات متحده، به **میخائیل گورباچف**، رهبر وقت شوروی گفت که «ما با تضمین» موافق هستیم که گسترش منطقه **نا تو** در شرق آلمان قابل قبول نیست. **بیکر** در یک کنفرانس مطبوعاتی که پس از دیدار او با **گورباچف** برگزار شد، گفت که «صلاحیت و یادمانه **نا تو** به شرق منتقل نخواهد شد.» وی افزود که به **گورباچف** «نشان داده» که «نباید نیروهای **نا تو** به سمت شرق گسترش یابد.» در همان روز، **بیکر** به **ادوارد شواردناده**، وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی اطمینان داد که «البته، باید تضمین های آهنبینی وجود داشته باشد که حوزه یا نیروهای **نا تو** به سمت شرق حرکت نکنند.» او هم به **گورباچف** و هم به **شواردناده** گفت: «اگر ما در آلمانی که بخشی از **ناتو** است حضور داشته باشیم، دامنه **ناتو** برای نیروهای ناتو یک اینچ به سمت شرق گسترش نخواهد یافت.»

در سال 2000، **رابرت گیتس**، که به عنوان معاون مشاور امنیت ملی، به رئیس **KGB** گفته بود که ایالات متحده فکر می کند این یک «پیشنهاد درست» است که «یک آلمان متحد با **ناتو** مرتبط شود، اما... نیروهای ناتو جلوتر از این حرکت نخواهند کرد.» شرق نسبت به آنچه اکنون بودند، انتقاد کرد که «پیشبرد گسترش **ناتو** به سمت شرق [در دهه 1990]، زمانی که **گورباچف** و دیگران به این باور رسیدند که اتفاق نمی افتد.»

این تنها سخنان مقامات آمریکایی نیست که دروغ غربی را آشکار می کند. **هانس دیتریش گنشر**، وزیر امور خارجه آلمان غربی، به **شواردناده** گفت: «برای ما، واضح است: **ناتو** خود را به شرق گسترش نخواهد داد.» در یک سخنرانی در سال 1990، **گنشر** علناً اعلام کرد که «گسترش قلمرو **نا تو** به شرق، به عبارت دیگر، نزدیکتر شدن به مرزهای اتحاد جماهیر شوروی، اتفاق نخواهد افتاد.»

سفیر بریتانیا در روسیه نوشت که **جان میجر**، نخست وزیر بریتانیا، نگرانی شوروی را از پیوستن چک ها، لهستانی ها و مجارستانی ها به **ناتو** تسکین داد و به او اطمینان داد که چنین اتفاقی نخواهد افتاد. **داگلاس هرد**، وزیر خارجه بریتانیا نیز به همتای شوروی خود اطمینان داد که «هیچ برنامه ای در **ناتو** برای گنجاندن کشورهای اروپای شرقی و مرکزی به این شکل در **نا تو** وجود ندارد.»

مسئله این وعده هسته اصلی مناقشه امروز اوکراین است. و این سخنان غربی در سوابق تاریخی است که نشان می دهد غرب، و نه پوتین، در این مورد دروغ می گویند.

پوتین به دنبال فتح اوکراین است

فتح اوکراین هرگز یکی از اهداف اعلام شده پوتین نبوده است. پوتین گفته است که "صرف نظر از اینکه کسی چه گفته یا حدس بزند"، زمانی که نیروهای روسی در روزهای اول جنگ "در نزدیکی کیف" مستقر بودند، "هیچ تصمیم سیاسی برای حمله به این شهر گرفته نشد". در عوض، «نیروها آنجا بودند تا طرف اوکراینی را به مذاکره سوق دهند تا راه حل های قابل قبولی برای امنیت روسیه بیا بند». پوتین در تلاش بود تا اوکراین را به مذاکرات بر سر گسترش **نا تو** وادار کند که ایالات متحده هنگام ارائه پیشنهادات امنیتی خود در دسامبر 2022 از ورود به آن خودداری کرد.

و این تقریباً همان چیزی است که اتفاق افتاده است. اوکراین و مسکو در استانبول وارد گفت و گوهای دوجانبه شدند و توافقنامه ای را امضا کردند. پوتین سپس حمله خود را متوقف کرد و نیروهای روسیه را از کیف خارج کرد، به جای اینکه بیشتر به سمت اوکراین حرکت کند. تنها زمانی که غرب کیف را از پیگیری توافق استانبول منصرف کرد، پوتین منابع بیشتری را بسیج کرد.

پیش از آن، پوتین تنها 120000 تا 190000 سرباز را به عملیات نظامی متعهد کرده بود. کارشناسان نظامی به این عدد اشاره می کنند که به وضوح برای فتح تمام اوکراین ناکافی است و دلیلی بر این است که پوتین هرگز قصد فتح اوکراین را نداشته است.

با این حال، غرب همواره به وضوح اعلام می کند که پوتین قصد حمله به اوکراین، تسخیر و "نا بودی" را داشته است. اما آنها این کار را بدون مدرک انجام می دهند. محقق **جان میرشایمر** خاطر نشان کرده است که «هیچ مدرکی در سوابق عمومی وجود ندارد که پوتین در نظر داشته باشد، چه رسد به اینکه قصد داشته باشد به اوکراین به عنوان یک کشور مستقل پایان دهد و آن را بخشی از روسیه بزرگ بسازد که نیروهایش را در فوریه به اوکراین فرستاد. 24.»

و بار دیگر، کلمات غربی قطعیت ادعاهای غربی را رد می کنند. مقامات اوکراینی که در مذاکرات بلاروس و استانبول حضور داشتند، می گویند، نه اینکه پوتین برای تکمیل فتح اوکراین تلاش کرده است، بلکه می گویند که مسکو "آماده پایان دادن به جنگ است اگر ما موافقت کنیم، همانطور که فنلاند زمانی انجام داد، بی طرفی و متعهد باشیم. که ما به **نا تو** نمی پیوندیم.»

پس از اوکراین، پوتین در صدد فتح اروپا است

مقامات آمریکایی دائماً مقدار جان و پولی را که برای جنگ صرف شده است با این ادعا توجیه میکنند که جنگ فقط در مورد اوکراین نیست، بلکه در مورد اروپا است، زیرا اوکراین سدی است که جلوی فتح اروپا توسط پوتین را می گیرد.

بایدن در 6 دسامبر به کنگره گفت: «اگر **پوتین** اوکراین را بگیرد، به همین جا متوقف نخواهد شد... او به راه خود ادامه خواهد داد. او این را کاملاً روشن کرده است.» **لوید آستین**، وزیر دفاع آمریکا هشدار داد که «**پوتین** در اوکراین متوقف نخواهد شد.» و **آنتونی بلینکن** وزیر امور خارجه توضیح داد که **پوتین** "به وضوح اعلام کرده است که می خواهد امپراتوری شوروی را بازسازی کند." اما این ادعا یکسری اشکال دارد. اول این که پوچ است. **پوتین** گفته است که این جنگ به دلیل تمایل به جنگ نکردن با **ناتو** بوده است. او توضیح می دهد که «در دکترین های اوکراین نوشته شده است که می خواهد **کریمه** را در صورت لزوم به زور پس بگیرد... فرض کنید اوکراین یکی از اعضای ناتو است... فرض کنید عملیات خود را در کریمه آغاز کند، فعلاً دونباس را ذکر نکنیم. این سرزمین مستقل روسیه است. ما این موضوع را حل شده می دانیم. تصور کنید که اوکراین یک کشور ناتو است و این عملیات نظامی را آغاز می کند. قرار است چه کار کنیم؟ مبارزه با بلوک ناتو؟ آیا کسی حداقل به این موضوع فکر کرده است؟ ظاهراً نه.» اگر **پوتین** برای جلوگیری از جنگ با **ناتو** وارد جنگ در اوکراین شد، پس پوچ است که از جنگ اوکراین به عنوان پله ای برای جنگ با ناتو استفاده کند.

همچنین در اسناد تاریخی هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد فتح اروپا از جمله اهداف اعلام شده حمله روسیه به اوکراین بوده است.

و بار دیگر، سخنان خود غرب ادعای خود غرب را رد می کند. در 2 آوریل 2024، جولیان اسمیت سفیر ایالات متحده در ناتو این ادعا را تکرار کرد که ناتو باید "به اوکراین کمک کند روسیه را از قلمرو خود خارج کند و به این تجاوز بی دلیل پایان دهد، زیرا اگر آنها موفق نشوند، البته نگرانی این است که روسیه احساس ناچاری کند. برای ادامه دادن."

پس **اسمیت** بلافاصله ادعای مطمئن خود را با این اعتراف که «ما در حال حاضر نشانه ها یا هشدارهایی مبنی بر قریب الوقوع بودن جنگ روسیه در قلمرو **ناتو** نداریم و من واقعاً می خواهم در این مورد شفاف باشم، تضعیف کرد». بنا براین، مورد غربی نیاز به ادامه جنگ را نشان می دهد، زیرا ما مطمئن هستیم که پوتین برای فتح اروپا تلاش می کند، هر چند «ما می خواهیم واضح بگوییم» که هیچ نشانه ای وجود ندارد که **پوتین** برای فتح اروپا تلاش کند. اسمیت گفت: «من نمی خواهم به دوستانمان در کشورهای با آلتیک این تصور را بدهم که به نوعی جنگ یک شبه به قلمرو ناتو می آید. ما آن را جدی می گیریم، اما نمی بینیم که این یک تهدید قریب الوقوع است.»

در هر یک از این شش مورد، دروغ های غربی با الفاظ غربی برملا می شود. این مهم است که، اگرچه روایت ها و تبلیغات نادرست در طول جنگ رایج است، اما در طول جنگ روسیه و اوکراین «به طور استثنایی شدید» بوده است. این امر به ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که همان طور که با **ود و سکوا** اشاره کرده اند، آن روایت های نادرست

سیاست خارجی کشورهای غربی را شکل داده و تأثیر مخربی بر سیاست بین‌الملل و جهان داشته است.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

تد اسنایدر ستون نویس منظم سیاست خارجی و تاریخ ایالات متحده در *Antiwar.com* و *The Libertarian Institute* است. او همچنین به طور مکرر در *Responsible Statecraft* و *The American Conservative* و همچنین سایر رسانه‌ها مشارکت دارد. برای حمایت از کار او یا درخواست‌های ارائه رسانه‌ای یا مجازی، با او در tedsnider@bell.net تماس بگیرید.



تد اسنایدر

----- **با تقدیم احترامات «2024-12-10»**